نگاه

دولت دوازدهم، مدیون دولت یازدهم

ابراهیم نکو
نایب‌رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس نهم

با توجه به اینکه دولت در پایان سال خدمت خود و ماه‌های پایانی قرار دارد، به نظرم گزارش جامع و تکمیلی هنوز از سوی دولت درباره عملکرد اقتصادی ارائه نشده که می‌تواند به‌عنوان حربه‌ای در دست مخالفان دولت به‌ویژه مخالفان انتخاباتی آقای روحانی باشد. متأسفانه آنچه در دولت قبلی وجود دارد، اقتصاد ورشکسته، رشد شدید بالا، رشد اقتصادی منفی و افزایش نگرانی در حوزه اقتصادی و واحدهای تولیدی است که چنانچه آن سیاست‌ها ادامه پیدا می‌کرد، مطمئنا امروز از اقتصاد ایران، نامی باقی نمی‌ماند و تولیدی به معنای واقعی وجود نداشت. بنابراین هنر دولت یازدهم در این بود که توانست جلوی آن آسیب‌های جدی که به اقتصاد وارد می‌شد را بگیرد و اقتصاد، تولید، حوزه‌های مختلف صنعت را با آرامش مواجه کرده و این آرامش یکی از دستاوردهای بزرگ دولت در حوزه اقتصادی است. در سال ۹۵ شاهد یک‌سری آسیب‌ها و یک‌سری موفقیت‌ها هستیم. موفقیت‌های دولت در سال ۹۵، حضور سرمایه‌گذاران به صورت جسته‌وگریخته در کشور بود که از کشورهای مختلف حضور دارند. اما هنوز به نتیجه ملخوام و مورد انتظار نرسیده‌ایم. به دنبال همین موفقیت‌هاست که دولت تفاهم‌نامه‌هایی را با کشورهای مختلف مثلا در حوزه کردستکی با کشور ترکیه، با مباحث پولی و مالی با آلمان، امضا کرده که نقطه‌عطفی است برای تعامل ایران با کشورهای مختلف از جمله کشورهای اروپایی به صورت مستقیم و غیرمستقیم با برخی کشورهای دیگر در حوزه نفتی شاهد رشد فعالیت‌های نفتی تا بیش از ۵۲ درصد هستیم و در حوزه رشد اقتصادی شاهد رشد ۶.۶درصد هستیم که می‌توان گفت تقریبا بخش اعظم این رشد اقتصادی به درآمدهای نفتی وابسته است اما می‌توان به‌عنوان امتیاز از آن یاد کرد. اما معمولا رشد اقتصادی که وابسته به نفت باشد، می‌تواند دارد را در آینده از دستیابی به رشد اقتصادی واقعی دارد. البته دولت آقای روحانی درصدد است طی جلسات و گزارش‌هایی که شنیده می‌شود در سال‌های آتی اگر موفقیتی در دولت بعدی داشته باشد، رشد اقتصادی را به صورت منطقی و وابسته به درآمدهای غیرنفتی تعریف کند. اما نقاط منفی هم مشاهده می‌شود که به بخشی از آن اشاره می‌کنم. با وجودی که دولت توانسته اشتغال ۶۵۰ هزارنفری را در سال ایجاد کند، اما هنوز هم با بی‌کاری ۱۲.۵درصدی مواجهیم که البته این با برنامه‌ریزی استراتژیک قابل رفع خواهد بود. یکی از نقاط ضعف اقتصادی در سال ۹۵، رونق‌نگرفتن کافی فضای کسب‌وکار است که دولت برای این منظور برنامه‌ریزی‌هایی دارد که در سال آتی اگر در دولت دوازدهم بود با سرعت بیشتری کسب‌وکار را مورد توجه قرار دهد. یکی از اتفاقات ناجوانمردانه نیز از سوی کنگره آمریکا بود که در سال ۹۵ تحریم‌های ایران را تمدید کرد که با فقط یک رای مخالف در کنگره به تصویب رسید که برخی کشورها به خاطر نگرانی‌هایی که در سرمایه‌گذاری در ایران داشتند دچار تردید شدند. از اتفاقات مثبت هم می‌توانیم به آزادشدن دارایی‌های بلوکه‌شده ایران و واردشدن هواپیماهای مجهزی مثل ایرباس در ناوگان حمل‌ونقل هوایی اشاره کنیم. دولت آقای روحانی تنها دولتی است که براساس منطق و با رویکرد علمی و فنی به اتفاقات نگاه می‌کند که بتواند اقتصاد و تولید را واکسینه کرده و برای همیشه از بیماری‌ها در امان باشد، اما یکی از آسیب‌هایی که به دولت وارد می‌شود و اقتصاد را دچار تنش می‌کند، آبه‌های باسی است که مخالفان دولت متأسفانه می‌خوانند و به نگرانی مردم می‌افزاید که به نظر می‌رسد مردم در انتخابات باید بتوانند از برنامه‌های دولت و عملکردش آگاهی لازم را داشته باشند. اگر بخواهیم نمره‌ای را به دولت بدهیم، به نظرم دولت نمره قبولی در اقتصاد می‌گیرد اما نمره‌ای نیست که همچنان در شان دولت یازدهم باشد. یعنی دولت یازدهم به نظرم براساس عملکردهای زیساختی باید نمره بیشتری بگیرد اما براساس عملکرد دولت و انتظاراتی که در جامعه وجود دارد، می‌توان نمره‌ای در حد پایین هم به دولت داد. اما دولت امروز در حوزه‌های اقتصادی انصافا توانسته شاهکارهایی را داشته باشد که در جامعه هنوز نتوانسته جای خودش را باز کند و مردم از این عملکردها و توفیقات دولت آگاهی لازم را داشته باشند. دولت امروز توانسته در اقتصاد تعریف بهتری نسبت به گذشته داشته باشد که حتی در صورت نبود خود دولت هم این تعاریف و برنامه‌ریزی‌ها ادامه پیدا خواهد کرد و اقتصاد از لرزیدن‌ها و شکست‌ها مصون خواهد بود و آن هم بی‌گرد به قوانین خوبی که در مجلس و لایحه‌های دولت ارائه و تصویب شده است. دولت توانست در کاهش نرخ تورم موفق عمل کند و جلوی یک بحران جدی در کشور را بگیرد، ولو اینکه حتی به عواملی مانند رکود هم بستگی داشته باشد. یکی از موفقیت‌های دولت ایجاد آرامش در حوزه اقتصادی است و امیدی که در تولید به وجود آورده که انتظار می‌رود در آینده این امیدها تبدیل به واقعیت شود و شاهد رونق خوبی در نیمه دوم سال ۹۶ در تولید، کشاورزی، تعاون و سایر حوزه‌های اقتصادی باشیم. تنش‌زدایی دولت در حوزه بین‌المللی هم نباید نادیده گرفته شود که دولت با منطقی عمل‌کردن، به دور از حاشیه‌ها و مواجه‌شدن با حوادث ناگوار بین‌المللی به صورت منطقی توانست ایران را به‌عنوان یک چهره آرام و متعادل‌کننده روابط بین دولت‌ها معرفی کند. به نظرم حرکت‌های پولی، مالی و بانکی دولت هم یکی از موفقیت‌هایی است که هنوز به‌درستی به آن پرداخته نشده. دولت توانست دلار را به نرخ واقعی خود نزدیک کند که این امر در برنامه‌های بعدی برای یکسان‌سازی و تک‌نرخی‌کردن نرخ دلار می‌تواند دولت را در تاریخ کشور به‌عنوان دولت موفق در حوزه پولی هم ماندگار کند. حتی با این فرض که در سال آتی همین دولت روی کار باشد، خدمت بزرگی به دولت بعدی کرده است. به‌نحوی که می‌توان گفت دولت بعدی عملکردهای آتی‌اش را مدیون دولت یازدهم خواهد بود.

به عبارت دیگر دولت یک‌گوناه‌ای به صورت زیربنایی و منطقی عمل کرده که در سال‌های آتی و سال ۹۶ به‌مرور این زیرساخت‌ها و زیرسازی‌ها خودش را نشان خواهد داد. یعنی دولت بعدی عملکردهای مثبت خودش را مدیون دولت یازدهم خواهد بود چون دولت یازدهم نسخه‌های خوبی را برای اقتصاد نوشته و طراحی‌های خوبی داشته اما اینکه دولت موفق شود در سال جاری تمام مشکلات را حل کند نیز نباید انتظار داشت. قلق کار در دست دولت هست و مطمئنا کارآمدی دولت یازدهم در دولت دوازدهم بیشتر از سایر دولت‌ها خود را نشان خواهد داد.

وحید شقاقی‌شهری
اقتصاددان

بخش تولید، رفاه و رشد اقتصادی

● متوسط رشد اقتصادی ایران طی دوره ۱۹۶۶ تا ۲۰۱۴ میلادی (۱۳۴۵ تا ۱۳۹۳ ه.ش) برابر ۴.۲ درصد بوده است.

● انحراف معیار رشد اقتصادی ایران نشانگر نوسانات اقتصادی در دوره ۱۹۶۶ لغایت ۲۰۱۴ میلادی معادل هفت بوده درحالی‌که برای کشورهای مالزی، ترکیه و عربستان به‌ترتیب ۳.۳، ۳.۵ و ۶.۸ بوده است.

● با توجه به رشد منفی اقتصادی و تورم بالا در سال‌های ۹۱ و ۹۲ درآمد سرانه واقعی مردم حدود ۲۱ درصد نسبت به سال ۹۰ کاهش یافت.

● از سال ۱۳۸۹ شاهد رشدی نزولی در اقتصاد بودیم که سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ درمجموع حدود ۹ درصد تولید ناخالص داخلی کاهش یافت و اقتصاد کوچک‌تر شد و رکودی را به ثبت رساند که هیچ‌گاه در گذشته اقتصاد به جز سال‌های اول انقلاب که سال‌های خاصی در عملکرد اقتصاد بوده است، بدترین سال عملکرد در سال‌های گذشته بوده است.

● با فرض نرخ رشد متوسط سالانه پنج درصد برای رسیدن به سطح درآمد سرانه سال ۱۳۹۰ حدود پنج سال نیاز است.

● رشد اقتصادی ۹ ماهه سال ۱۳۹۵ براساس اعلام بانک مرکزی ۱۱.۶ درصد و طبق مرکز آمار ۷.۲ درصد است. تفاوت حدود ۴.۴ درصدی رشد اقتصادی این دو نهاد نشان از نوعی بحران آماری در کشور است.

احزای رشد اقتصادی ایران تا پایان ۹ ماهه سال ۱۳۹۵

بخش	رشد
بخش کشاورزی	۵.۷
بخش نفت	۵۹.۹
بخش صنعت	۴
ساختمان	−۱۵.۸
بخش خدمات	۴.۷

● رشد زیربخش‌های مهم صنعت در سال ۱۳۹۵: خودروسازی (۳۷ درصد)، پتروشیمی (خدمت درصد)، سیمان (۱۰- درصد).

● رشد زیربخش‌های خدمات در سال ۱۳۹۵: خدمات بازرگانی (۲.۲ درصد)، خدمات حمل‌ونقل (۶.۶ درصد)، خدمات عمومی (۲.۲ درصد).

سهم هریک از بخش‌ها در رشد اقتصادی سال ۱۳۹۵ (پیش‌بینی تا پایان سال ۱۳۹۵)

شرح	رشد اقتصادی	سهم دررشد
کشاورزی	۵.۷	۰.۴
نفت خام و گاز طبیعی	۵۹.۹	۶.۱
معدن	−۴.۷	۰
صنعت	۴	۰.۶
ساختمان	−۱۵.۸	−۰.۹
آب، برق، گاز	−۰.۷	۰
بخش خدمات	۴.۷	۲.۷
تولید به قیمت ثابت	۸.۹	−
درآمد ملی به قیمت ثابت	۱۰.۵	−

بخش بازار کار، بی‌کاری و اشتغال

● درحال حاضر ۲.۹ میلیون نفر بی‌کار، ۲.۴ میلیون نفر دارای اشتغال ناقص و نزدیک یک میلیون نفر افراد دلسرد از اشتغال در کشور وجود دارد.

● نزدیک ۴.۸ میلیون دانشجو درحال تحصیل در کشور وجود دارد که در آینده نزدیک به افراد جویای کار اضافه خواهند شد.

● طبق پیش‌بینی‌ها با تداوم وضعیت کنونی، تعداد بی‌کاران در افق ۱۴۰۰ به نزدیک پنج میلیون نفر خواهد رسید و اگر به آن شاغلان ناقص و دلسردشدگان از بازار کار را اضافه کنیم، جمعیتی بالغ بر ۹ میلیون نفر خواهد شد.

نرخ بی‌کاری کل در سال ۱۳۹۵، ۱۲.۴ درصد، نرخ بی‌کاری جوانان ۲۶ درصد و نرخ بی‌کاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ۱۸.۵ درصد است. درضمن وضعیت درپایین ۹۵ به شرح جدول زیر است:

شرح	کل	مرد	زن	نقاط‌شهری	نقاط‌روستایی
نرخ بی‌کاری جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر...	۱۲.۳	۱۰.۴	۲۰.۴	۱۳.۳	۹.۳
نرخ بی‌کاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر...	۱۲.۳	۱۰.۴	۲۰.۴	۱۳.۳	۹.۳

● از سال ۱۳۸۵ لغایت ۱۳۹۴ سالانه حدود ۷۲۰ هزار نفر به جمعیت در سن کار اضافه شده درحالی‌که به‌طور خالص متوسط سالانه ۱۲۰ هزار شغل ایجاد شده است.

● نسبت جمعیت به تعداد شاغلان با همان بار تکفل به ۳.۶ درصد رسیده که بالاتر از متوسط جهانی است.

● میزان اشتغال‌زایی هر یک درصد رشد اقتصادی از ۱۸۰ هزار نفر در سال‌های ۸۰-۱۳۷۵ به حدود سه‌هزار نفر در دوره ۹۰-۱۳۸۵ کاهش یافته که نشانگر این است که درمجموع تولید در ایران سرمایه بر شده است.

سهم اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی درپایین ۱۳۹۵:

شرح	کل	مرد	زن	نقاط شهری	نقاط‌روستایی
کشاورزی	۱۷.۳	۱۶.۵	۲۱.۳	۵.۲	۴۹.۰
صنعت	۳۲.۱	۳۳.۶	۲۴.۵	۳۴.۵	۲۵.۹
خدمات	۵۰.۶	۴۹.۹	۵۴.۲	۶۰.۴	۲۵.۱

● در سال ۹۵ یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار نفر ورودی به بازار کار بوده که از این تعداد حدود ۷۰۰ هزار نفر شغل جدید ایجاد شده است. بنابراین با وجود میزان اشتغال ۷۰۰هزارنفری که در بازار کار در سال ۹۵ ایجاد شده اما ۵۰۰ هزار نفر به تعداد بی‌کاران اضافه شده است.

● در سال ۱۳۳۵ جمعیت کشور ۱۹ میلیون نفر بود و در فاصله ۱۰ساله از سال ۳۵ تا ۴۵ حدود ۱۰ میلیون نفر به این جمعیت اضافه شد که رشد زیادی است. اما در فاصله سال‌های ۳۵ تا ۶۵ حدود ۱۶ میلیون نفر به جمعیت کشور اضافه شده است و از سال ۶۵ تا سال ۹۰ به طور متوسط سالی یک میلیون نفر به جمعیت کشور اضافه شد.

● در محاسبه نسبت ورودی و خروجی به بازار کار، کشورهای آمریکا و کره با نسبت ۱.۶، ترکیه و مصر با نسبت ۳.۲ و ایران در سال ۲۰۰۵ با نسبت هفت و در سال ۲۰۱۰ با نسبت ۵.۵ مواجه بوده یعنی در سال ۲۰۱۰ به ازای هر یک نفر که از بازار کار خارج شده است، باید ۵.۵ نفر وارد بازار می‌شده است.

بخش قیمت‌ها و نرخ تورم

● مطالعه ۱۷۵ کشور جهان نشان می‌دهد فقط ۲۶ کشور در ۱۰ سال اخیر تورم دورقمی داشته‌اند و اقتصاد ایران در میان ۱۰۰ کشور نخست قرار دارد.

● در سال ۲۰۱۴ فقط چهار کشور دارای تورم بالاتر از ایران بوده‌اند: ونزوئلا، سودان، مالی و بلاروس.

● اقتصاد ایران در ۴۰ سال اخیر ۹۴-۱۳۵۴ فقط در سه سال ۱۳۵۴-۱۳۶۲ و ۱۳۶۹ نرخ تورم تک‌رقمی داشته است.

● تورم سال ۱۳۹۵ تک‌رقمی و به ۹ درصد رسیده است.

روند نرخ تورم از سال ۹۵-۱۳۹۰

سال	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
نرخ تورم	۲۱.۵	۳۰.۵	۳۴.۷	۱۵.۶	۱۱.۹

بخش تجارت خارجی

● مجموع تجارت خارجی ایران در سال ۱۳۹۵ به ۸۷میلیاردو ۶۱۴ میلیون دلار رسید که این رقم نشان می‌دهد تجارت خارجی ایران در سال گذشته به اندازه سه میلیاردو ۶۲۶ میلیون دلار بزرگ‌تر شده و تجار ایرانی ۳۴/۲ درصد بیشتر از سال ۱۳۹۴ مناسبات تجاری با سایر کشورها انجام داده‌اند. مجموع ارزش تجارت خارجی ایران در سال ۱۳۹۴ به میزان ۸۳میلیاردو ۹۶۸ میلیون دلار بود. اقرام نشان می‌دهد تجارت خارجی ایران برای دومین سال متوالی تراز بازرگانی مثبت را تجربه کرده و ارزش صادرات غیرنفتی ایران ۲۴۶ میلیون دلار بیشتر از کل واردات کشورمان بوده است.

● صادرات غیرنفتی ایران در سال ۱۳۹۵ درمجموع به ۴۳میلیاردو ۹۳۰ میلیون دلار رسید. همچنین واردات ایران در سال ۱۳۹۵ به ۴۳میلیاردو ۶۸۴ میلیون دلار رسید.

● صادرات غیرنفتی و کاز با ۱۶ درصد کاهش از ۵۰.۵ میلیارد دلار سال ۱۳۹۳ به ۴۲.۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۴ رسید.

● واردات با ۲۲.۵ درصد کاهش از ۵۳.۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۳ به ۴۱.۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۴ رسید.

● حدود ۷۰ درصد صادرات به پنج کشور عراق، امارات، چین، افغانستان و هند و همچنین حدود ۷۰ درصد واردات از پنج کشور چین، امارات، کره، ترکیه و سوئیس است که منجر به اسب‌پذیری اقتصاد ایران شده است.

● آمار واردات از حدود ۶۰ میلیارد دلار در سنوات قبل به حدود ۴۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۴ و تداوم روند کاهشی در سال ۱۳۹۵ نکته مثبت است.

● قاچاق: در سال ۱۳۹۴ حجم قاچاق کالاهای ورودی حدود ۱۴.۵ میلیارد دلار و حجم قاچاق کالاهای خروجی حدود یک میلیارد دلار بوده است.

بودجه و وابستگی به نفت

● در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۳ نسبت عملکرد اعتبارات عمرانی به هزینه‌های درمجموع سیر نزولی داشته به‌طوری‌که از ۴۵ درصد سال ۹۶ به ۱۶ درصد سال ۹۴ تنزل یافته است. این نسبت در سال ۱۳۸۵ معادل ۳۳ درصد، در سال ۱۳۸۹ معادل ۲۹ درصد در سال ۱۳۹۰ معادل ۲۶ درصد بوده است.

● نسبت بدهی به تولید حدود ۴۴ درصد است. از ۱۲۱۸ هزار میلیارد تومان تولید ناخالص داخلی، رقم بدهی بالغ به ۵۲۰ هزار میلیارد تومان است که ۱۶۲ هزار میلیارد تومان بدهی دولت، ۱۸۰ هزار میلیارد تومان بدهی شرکت‌های دولتی و ۵۵ میلیارد دلار معادل ۱۶۵ هزار میلیارد تومان بدهی شرکت نفت است.

● ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی و پرداخت بیش از ۸۰ درصد حقوق و مزایای بازنشستگی صندوق‌های کشوری و لشکری از محل بودجه عمومی دولت.

● بدهی انباشته دولت به سازمان تامین اجتماعی رقمی بیش از صد هزار میلیارد تومان است.

وابستگی بودجه به نفت

عنوان	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵
منابع نفت در بودجه (هزار میلیارد تومان)	۶۳.۸	۷۲.۹	۵۸	۷۵.۱
منابع نفت در بودجه (میلیارد دلار)	۲۵.۹۲	۲۳.۷۳	۲۲.۳	۲۵.۰۴
بودجه‌عمومی (هزار میلیارد تومان)	۱۴۷.۶	۱۷۷.۸	۲۰۱.۷	۲۹۴.۳
حداقل درصد وابستگی بودجه به نفت	۴۴.۴	۳۵.۴	۳۶.۲	۲۵.۵

بهره‌وری

● یکی از مهم‌ترین محورهای رشد اقتصادی پویا و شتابان رشد بهره‌وری است. طبق گزارش‌های مختلف، از متوسط رشد اقتصادی پنج‌درصدی در سال ۸۲ لغایت ۹۰ حدود ۰.۲۵ درصد از کانال رشد بهره‌وری و ۲.۷۵ درصد از طریق رشد منابع محقق شده درحالی‌که مقرر بود ۳۰ درصد رشد اقتصادی هدف هشت درصدی از طریق رشد بهره‌وری باشد. بنابراین رشد پایین بهره‌وری یکی از مهم‌ترین معضلات اقتصاد ایران است که نیازمند تغییرات بنیادین در ساختارهای اقتصادی است.

● ایران در سال ۲۰۱۳ در شاخص بهره‌وری آب در بین ۱۷۴ کشور جهان رتبه صدویچندم‌بوده را دارد.

آلایندگی و ریزگردها

● از لحاظ میزان آلایندگی CO2 ایران هشتمین کشور آلاینده دنیا در سال ۲۰۱۱ بوده درحالی‌که در سال ۱۹۹۲ ایران بیست‌ودومین کشور بوده است.

ضریب جینی و نابرابری درآمدی

● ضریب جینی در سال ۱۳۹۴ معادل ۰.۳۹ بوده است.

● طبق اعلام مرکز آمار ایران، ضریب جینی در سال ۹۳ معادل ۰.۳۷۸ بوده که در مقایسه با ۰.۳۶۵ سال ۹۲ اندکی افزایش یافته است.

پیش‌بینی اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۶

● اقتصاد ایران در سال ۹۶ با دو عدم قطعیت مواجه هست؛ تمام‌شدن کار دولت یازدهم و شروع به کار دولت دوازدهم عدم قطعیت اول و در بعد بین‌المللی هم بهت‌زدگی از تحولات ناشناخته دولت جدید آمریکا عدم قطعیت دوم است.

● وابستگی بودجه دولت به نفت در سال ۹۶ نسبت به سال ۹۵ بیشتر شده است. درحالی‌که در سال ۹۵، فقط ۲۵ درصد از منابع عمومی بودجه دولت وابسته به درآمدهای نفتی بود، این رقم در سال ۹۶ به حدود ۳۶ درصد رسیده است.

● قیمت هر بشکه نفت در قانون بودجه سال ۹۵، ۴۰ دلار برآورد شده بود. درحالی‌که این رقم در بودجه سال ۹۶ به ۵۵ دلار افزایش یافته است که تحقق نفت ۵۵دلاری جای تردید دارد. قیمت در نظر گرفته‌شده از سوی دولت در بودجه سال ۹۶ نسبت به قیمت برآوردی در بودجه سایر کشورهای صادرکننده، بالاتر است. برای مثال، قزاقستان نفت بشکه‌ای ۴۰دلاری، عراق ۴۵دلاری، کانادا ۳۶ تا ۴۳دلاری، روسیه ۴۰دلاری، قطر ۴۵ تا ۴۹دلاری را برای بودجه سال ۲۰۱۷ میلادی گنجانده‌اند. با این وجود ایران گران‌قیمت‌ترین نفت را برای بودجه سال ۱۳۹۶ بنیس‌گرده است.

● حجم درآمدهای نفتی در بودجه عمومی دولت از ۷۵ هزار میلیارد تومان در قانون بودجه سال ۹۵ به ۱۱۱ هزار میلیارد تومان در سال ۹۶ افزایش یافته است.

● به این دلیل که در سال ۹۵ از ۱۲ افزایش تولید نفت تخلیه شد، پیش‌بینی می‌شود که سال آینده نرخ رشد اقتصادی کشور مثبت ولی کاهشی باشد. برآوردهای اولیه برای رشد اقتصادی سال آینده بین چهار تا پنج درصد خواهد بود.

● درحال‌حاضر بیلان بخش ۱۰-۵۰ هزار میلیارد تومان سپرده نزد بانک‌ها سپرده‌گذاری شده است. میانگین سود این حساب‌های سپرده ۱۶ تا ۱۷ درصد است. این رقم هرسال به تعهدات بانک‌ها اضافه می‌کند. به‌همین‌دلیل سیستم بانکی یکی از حساس‌ترین نقاط ارزیابی خواهد بود. وقتی نماد بانک ملت در بورس باز شد هزار-۳۰۰ واحد بورس سقوط کرد. درحالی‌که بورس بیا آمدن ترامپ هزارو ۲۰۰ واحد سقوط کرده بود، یعنی تاثیر ترامپ اندازه بانک ملت هم نبود. وقتی مشکلاتی در سیستم بانکی به وجود می‌آید، اولین کار این است که بانک‌ها سراغ ارز می‌روند و ارز می‌خرند. به‌این‌ترتیب بحران از حوزه پولی به حوزه ارزی کشیده می‌شود.

● پیش‌بینی برای بازار طلا این است که اونس بین هزارو صد تا هزارو ۳۰۰ دلار در نوسان خواهد بود. برای دلار هم چهارهزارو ۵۰۰ تومان رقمی است که در انتهای سال آینده محتمل است. وضعیت سکه و طلا در سال آینده روندی افزایشی است. در سال ۹۵ سکه بیشترین بازدهی را داشته و سال آینده این افزایش ادامه خواهد یافت.

● تغییرات مسکن در برخی ماه‌های سال گذشته منفی بوده است یعنی رشد غیرتورمی داشته است. اما مسکن به آهستگی وارد دوره پیش‌رونق شده. درنتیجه رشد از تورم پیشی گرفته است. موضوع دیگری که موجب افزایش قیمت مسکن خواهد شد افزایش نرخ تورم است. به‌این‌ترتیب مسکن از نرخ تورم پیشی خواهد گرفت. پیش‌بینی این است که افزایش‌ها سه تا چهار درصد بالاتر از تورم باشد.

● سرعت گردش پول در اقتصاد ایران برای اولین‌بار در سال ۹۵ به زیر عدد یک رسیده است. تا زمانی‌که سرعت گردش پول در اقتصاد ایران پایین باشد. احتمال خروج از رکود اقتصادی بسیار پایین است این در حالی است که پایین‌بودن سرعت گردش پول تورم ایجاد نمی‌کند. بازار پول در حالت انجماد قرار گرفته و این انجماد باعث شده که رکود در تمام ارکان اقتصادی ایران رسوخ پیدا کند. اقتصاد ایران در شرایط کنونی به یک تنفس نیاز دارد، یک نگاه جدید در حوزه سیاست‌گذاری کلان تا بتوان علاوه بر سرعت‌بخشیدن به گردش پول، از دام رکود اقتصادی خارج شد. در سال ۹۶ اقتصاد ایران از تله رکود به‌راحتی خارج نخواهد شد و بحران بانکی همچنان وجود خواهد داشت زیرا معادلات سیاسی بر معادلات اقتصادی اثرگذار است و بخش اقتصاد به سیاست، هزینه‌های بسیاری پرداخت می‌کند.

● ۸۷ درصد نقدینگی در سپرده‌های مدت‌دار (بلندمدت و کوتاه مدت)، ۱۰ درصد سپرده‌های جاری و سه درصد اسکناس و مسکوکات است. دولت نتوانسته سپرده‌های بلندمدت بانکی را به جاری تبدیل کند و سرعت گردش نقدینگی را افزایش دهد. مقاومت بانک‌ها و نبود جاذبه برای سرمایه‌گذاری سپرده‌گذاران عامل انجماد سپرده‌های بلندمدت است. بدهی دولت به بانک‌ها (۱۶ درصد) دارایی غیرمالی بانک‌ها (۱۵ درصد) در کنار مطالبات وصول‌نشده (۱۱) باعث شده ۲۴ درصد منابع بانک‌ها قفل شود و در چرخه اقتصاد کشور جریان نداشته باشد. بخش دولتی ۲۷۳ هزار میلیارد تومان به شبکه بانکی بدهکار است و دولت بدهکار به‌جای اینکه موتور توسعه باشد در شرایط کنونی مانع توسعه شده است. در اقتصاد ایران ۹۰ درصد تامین مالی برعهده بانک‌هاست و وقتی بانک‌ها قفل می‌شوند اقتصاد نیز قفل می‌شود.

● نرخ تورم سال ۹۶ افزایش خواهد یافت و در محدوده ۱۲ تا ۱۴ درصد خواهد بود.

● ارز حاصله از صادرات نفت به‌راحتی در اختیار بانک مرکزی قرار نمی‌گیرد بنابراین عرضه ارز در سال ۹۶ مشروط خواهد بود و کاهی تحت تاثیر سیاست‌های پیش‌بینی‌ناپذیر آمریکا قرار خواهد گرفت. این تنگنای دسترسی، عرضه ارز واقعی را مخصوصا یکباره، کاهش می‌دهد و شرایط را برای افزایش نرخ ارز فراهم می‌کند. پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال ۹۶ نرخ ارز آزاد به حدود چهارهزارو ۵۰۰ تومان افزایش یابد.

دیدگاه

تغییر و تحول بنیادین ساختاری رمز نجات اقتصاد کشور در دولت آینده

محمود جامساز
اقتصاددان

اظهارات رئیس‌جمهور درباره کاهش شیب تورم خودکفایی در کندم و تحولات در زمینه ارزی، تولید نفت و گاز، صادرات نفت خام و اقدامات در زمینه بهبود حمل‌ونقل دریایی و ایجاد بسته‌ها و نیروگاه‌های جدید که به‌زعم ایشان اسباب پشت‌سرگذاردن عقب‌ماندگی‌های اقتصادی شده است، واقعا تا چه حد در اراک جامعه مورد تأیید قرار می‌گیرد؟ این سؤالی است که آحاد جامعه با توجه به وضعیت اقتصادی خود از نظر معیشت، مسکن، بهداشت، آموزش و بیمه از خود می‌پرسند. رشد اقتصادی بنا بر اظهار بانک مرکزی، در ۹ ماهه ابتدای سال ۹۵،۱۱.۶ درصد بوده است. رشد ۱۱.۶ درصدی یک رشد فوق‌العاده بالاست که کشورهای با اقتصاد نوظهور نظیر چین، کره‌جنوبی، هند، ترکیه، برزیل، مکزیک و دیگر کشورها را با رشدهای دورقمی در زمره اقتصادهای نوظهور قرار داد، اما آیا رشد ۱۱.۶درصدی در کشور ما واقعا باسخ‌گوی اشتغال، افزایش درآمد طبقه متوسط، حقوق‌بگیران، کارگران و همین‌طور حل سایر معضلات و مشکلات اقتصادی آنان بوده است؟ قدر مسلم آن است که برای ورود به رونق اقتصادی و خروج از رکود نیازمند رشدهای اقتصادی هشت درصد به بالا هستیم. اما تدقیق در کموکیف رشد اقتصادی ۱۱.۶درصدی در ۹ ماهه ابتدای سال ۹۵ به استناد گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد ۱۰ درصد آن تنها ناشی از درآمدهای نفتی پس از برجام و رفع تحریم‌های نفتی بوده و رشد اقتصادی ۹.۱درصدی در بخش‌های غیرنفتی ایجاد شده است؛ به نحوی‌که بخش صنعت در مدت مذکور از رشدی نزدیک به صفر درصد برخوردار بوده، بخش خدمات فقط ۲.۴ درصد رشد داشته و بخش معدن و ساختمان به‌عنوان دو بخش اقتصادی مهم و عمده کشور از رشد منفی برخوردار بوده‌اند. درحالی‌که رونق اقتصادی هنگامی تحقق می‌یابد که در همه بخش‌های اقتصادی اعم از معدن، ساختمان، خدمات، صنعت، کردستکی، تجارت، بهداشت و دیگر حوزه‌های اقتصادی و خدماتی رشد قابل‌توجه و قابل‌اعتنایی را شاهد باشیم که اگر به چنین رونقی که حاصل موج‌های حوزه‌ها و قلمروهای مختلف اقتصادی است دست یابیم، آنگاه به رشد اقتصادی متوازن می‌رسیم. اما رشد تنها نمی‌تواند اقتصاد را به وضعیت رونق هدایت نمی‌کند، بلکه امر مهم تخصیص منابع را نیز دچار نابهینگی می‌کند. زیرا مطابق یک اصل مهم اقتصادی تخصیص منابع باید میان نیازهای واقعی اقتصاد با عاملان‌دهی یک بازار آزاد رقابتی صورت گیرد تا منابع راه خود را در جهت بهبود و رونق بخش‌های مختلف بیابند. البته نمی‌توان تلاش و تمامتوان دولت یازدهم در جهت سامان‌بخشی به اقتصاد ویران‌شده و بدارمانده از دولت‌های پیشین را نادیده گرفت. کاهش شیب تورم و برخی از موارد برشمرده‌شده به وسیله آقای روحانی که به همت این دولت و به انجام رسیده و مصوبه برجام که یک پروتکل بین‌المللی است با محوریت به رفع بخشی از تحریم‌های اقتصادی علیه ایران از این منظر حرکت کارنامه ایشان است. اما این اقدامات متأسفانه تحقق بسیاری از وعده‌های انتخاباتی ایشان را پوشش نمی‌دهد و آنچه انجام یافته آثار ملموسی بر اقتصاد و سطح زندگی عامه مردم از خود برجای نگذاشته است، زیرا به‌حکم علم و تجربه در بستر ساختار اقتصاد دولتی نفتی که فساد را در بطن خود می‌پروراند وقوع هرگونه اصلاحات پایدار نخواهد بود. در عرصه اقتصادی که نهادهای دولتی و فراولتی و شبه‌دولتی مالکیت و مدیریت آن را در اختیار دارند و اقتصاد آنچنان با سیاست در آمیخته که الزاما تصمیمات کلان اقتصادی از مجاری و ملاحظات سیاسی عبور می‌کند، مسلما دست‌یازیدن به اصلاحات حتی به وسیله مجرب‌ترین اقتصاددانان نفس‌زدن بر آب است. زیرا در ساختار اقتصاد دولتی هرگونه اصلاحات تغییرات روبنایی است نه تغییر و تحول ساختاری بنیادین. باید پذیرفت واژه‌هایی نظیر آزادسازی اقتصادی، رقابت‌پذیری، خصوصی‌سازی و تعامل با اقتصاد جهانی که در سیاست‌های کلی نظام مطرح شده‌اند هیچ سنخیتی با مجموعه اقتصادی دولتی نفتی -رانتی ندارند؛ بنابراین قابل تحقق نیستند. از این منظر هرچند عملکرد آقای روحانی برخی از اهداف کوتاه‌مدت را جامه عمل پوشانده اما هیچ اقدام بنیادینی صورت نگرفته. این در حالی است که اصلاحات روبنایی قادر به نجات اقتصاد کشور نیست. اما در قلمرو سیاست‌های دیپلماتیک دولت روحانی توانست کشور را از خطر حمله نظامی احتمالی مصون نگه دارد. در این راستا دولت دوازدهم باید از قدرت دیپلماسی نیز برخوردار باشد تا به تنش‌های بین‌المللی و حتی درحالی‌که ترامپ شمشیر را علیه جمهوری اسلامی ایران از رو بسته، دامن نزند. اینک که در آستانه انتخابات دوران ریاست‌جمهوری دوازدهم هستیم، مجددا وعده‌های بهبود وضع اقتصادی و فضای کسب‌وکار، اعتلای تجارت خارجی و برقراری مناسبات مطلوب بین‌المللی براساس احترام و حفظ منافع متقابل و ایجاد اشتغال که یکی از مهم‌ترین چالش‌های موجود در حال و آینده است و برخی شعارهای پوپولی